

# آقای شمس (مثل ما)

مرتضی شمس آبادی  
آموزگار و نویسنده



و اما خبر خوب اینکه، بالاخره هزینه‌ی ساخت آزمایشگاه و کتابخانه‌ی جدید جور شد. به‌زودی کار ساخت‌وسازش رو شروع می‌کنیم. قراره گوشه‌ی سمت راست حیاط، آزمایشگاه رو بسازیم. این هم از نقشه‌ی اولیه‌ی کار...

به نظر خوب می‌آدا!

بالاخره بعد از چند سال!

خیلی هم عالی!

ولی اونجا که درخت مدرسه مونه! این طور که از نقشه پیداست باید درخت رو در بیاریم.

چاره‌ی دیگه‌ای نیست. جای دیگه‌ای نمی‌تونیم بسازیمش.

عملاً جای دیگه‌ای هم برای این درخت توی حیاط نداریم. مگه اینکه بیریش بیرون از مدرسه بکاریم که اونجا هم جایی نیست و حتی آگه هم بشه، دیگه حیاطمون درخت نداره.

ای بابا! شمس، حالا که می‌خوان بسازن، تو سنگ بنداز!

سنگ نمی‌ندازم. دارم می‌گم باید برای این درخته یه فکری کرد.

بچه‌ها، قراره به‌زودی مدرسه یه آزمایشگاه و کتابخونه‌ی جدید بسازه.

ایول! کجا؟

همین گوشه‌ی حیاط. درست همون جایی که درخت هست

پس درخته چی می‌شه؟

معلومه دیگه. شتکا! قطعش می‌کنن!

